

# تغییر ساختار نظام آموزشی و ابعاد رشد در دوره آموزش ابتدایی

آمنه احمدی

کلیدواژه‌ها: ساختار، نظام آموزشی، رشد، دوره آموزش ابتدایی.

زمان و چگونگی برخورداری فرد از تعلیم و تربیت در هر دوره و از سوی دیگر، به دلیل ارتباط فارغ‌التحصیلان دوره‌های آموزشی با جامعه، بازار کار، اشتغال و ورود به دوره‌های تحصیلی بالاتر، از مسائل اساسی و بنیادین نظام‌های آموزشی بوده است. تغییر ساختار آموزشی از  $۱+۲+۳+۵$  به  $۳+۳+(۳+۳)$  به منظور رفع برخی از کاستی‌ها در نظام فعلی و توجه بیشتر به ابعاد رشدی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی و چگونگی گذر از این دوره به دوره‌های بالاتر، با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری این دوره بوده است.

## ساختار دوره آموزش ابتدایی

انعطاف در ساختار دوره ابتدایی باید تمامی ابعاد از جمله محتوای برنامه درسی، زمان آموزش (اعم از زمان شروع و پایان سال تحصیلی، طول روز آموزش و زمان اتمام دوره تحصیلی)، روش‌های آموزش و ارزشیابی، فضا و شرایط یادگیری را در نظر داشته باشد. امروزه توافق عمومی حاکی از آن است که مغز انسان با بیش از یک تریلیون ارتباط زاده می‌شود و وراثت حدود ۳۰ تا ۶۰ درصد و محیط ۴۰ تا ۷۰ درصد بر عصب‌کشی مغز اثر دارد. بسیاری از سیناپس‌های جدید، با رشد حرکتی اولیه خلق می‌شوند، اما سیناپس‌های اضافی بعدها منسحب می‌شوند. به نظر گرینو، این تجربه است که موجب انشعاب یا مهم‌تر

با وجود اختلاف نظرهای ذکر شده، اغلب روان‌شناسان به هنگام توضیح درباره رفتار کودکان، نقش هر دو دسته - عوامل فطری و تجربی - را در مورد رشد می‌پذیرند (اسلاوین، ۲۰۰۶). براساس مطالعات نظری انجام شده در سند تحول راهبردی<sup>۱</sup>، تحولات رشدی، تحولاتی تدریجی و چند وجهی است و در تمام افراد مشترکاتی دارد و به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد براساس آن‌ها سطوح و مقاطع کلیدی را در نظام‌های آموزشی تعیین کنند. اما باید دانست که دانش‌آموزان در مسیر رشد در ابعاد گوناگون، توانمندی‌های متفاوتی را در مقاطع زمانی و در مراحل متعدد به نمایش می‌گذارند و عملکرد آنان در هر مرحله تابع شرایط تربیتی خاصی است. علاوه بر این، فرایند رشد انعطاف‌پذیر است و تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرد نیز قرار دارد. از این رو ضروری است ساختار نظام آموزشی به گونه‌ای طراحی شود که یادگیرندگان، متناسب با ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، امکان طی دوره‌های تحصیلی را با سرعت‌های متفاوت داشته باشند.

علاوه بر صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و روان‌شناسان رشد، در سال‌های اخیر، جامعه‌شناسان آموزش و پرورش و اقتصاددانان نیز موضوع تعیین ساختار نظام آموزشی را مورد توجه قرار داده‌اند؛ چرا که بحث درباره ساختار آموزشی، از یک سو، به لحاظ مراحل رشد و تربیت، و

تحولات قرن بیست و یکم، به ویژه تحول در حوزه علوم و فناوری و پیدایش نظریه‌های جدید در زمینه رشد و یادگیری، تحول در ساختار و محتوای برنامه‌ها را امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر کرده است. از آنجا که اتخاذ تصمیمات در این زمینه در سطح ملی تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در زندگی حال و آینده دانش‌آموزان خواهد داشت، لذا هرگونه تصمیمی باید با مطالعه نیازهای آینده و نیز ویژگی‌های رشدی کودکان گرفته شود، تا برنامه‌ریزی‌ها اثربخشی لازم را برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد دانش‌آموزان داشته باشند.

کودکان در طول عمر از نظر جسمانی، شخصیت، اجتماعی - هیجانی، شناختی (تفکر) و زبان رشد می‌کنند و از این طریق با محیط خود سازگار می‌شوند. روان‌شناسان طی سال‌های متمادی در این خصوص که آیا رشد تحت تأثیر عوامل زیستی است یا تجربه و عوامل محیطی، اختلاف نظر داشته‌اند. اما امروزه روان‌شناسانی مثل برک (۲۰۰۳) برک، بی، و بوید (۲۰۰۳) کوک و کوک (۲۰۰۵) فایس و مارتین (۲۰۰۰) معتقدند که طبیعت و تربیت، برای تأثیرگذاری بر رشد، با یکدیگر ترکیب می‌شوند، به طوری که در برخی جنبه‌ها مثل رشد جسمانی، عوامل زیستی نقش بیشتری ایفا می‌کنند و در جنبه‌های دیگر نظیر رشد اخلاقی عوامل محیطی نقش قوی‌تری دارند.



از آن، انسداد سیناپس می‌شود. این انسداد یا انشعاب آن نموداری عصب‌کشی<sup>۲</sup> را شکل می‌دهد که رشد بعدی براساس آن تحقق می‌یابد. تدارک فرصت‌های یادگیری غنی و متنوع، خصوصاً در آغازین سال‌های زندگی کودک، بر عصب‌کشی مغز تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. هر اندازه ابعاد و ویژگی‌های رشدی در تدوین برنامه‌ها انعطاف و تنوع بیشتری داشته باشند، زمینه مناسب‌تری را برای پاسخگویی به نیازهای متفاوت یادگیرندگان فراهم می‌کنند.

### طول و عرض ساختار

ساختار نظام آموزشی دو بعد قائم و افقی دارد. بعد قائم یا عمودی هر نظام آموزشی، تقسیماتی را نشان می‌دهد که مراحل تحصیلات رسمی را از لحاظ سن و تعداد سال‌های تحصیل در هر مرحله، از هم متمایز می‌کند.

نظام آموزشی در این بعد معمولاً شامل سه سطح تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) و عالی است. بعد افقی، تقسیمات درونی هر دوره یا مرحله آموزشی را به شاخه‌ها، رشته‌های تحصیلی (مانند شاخه و رشته‌های تحصیلی نظری، فنی و حرفه‌ای در دوره متوسطه)، امکانات و انتخاب‌ها در هر مرحله (به لحاظ اجباری، اختیاری و انتخابی بودن محتوای برنامه درسی) و تنوع شاخه‌ها و رشته‌های تخصصی، و چگونگی گذر در پایه‌ها را نشان می‌دهد.

**بحث دربارهٔ  
ساختار آموزشی،  
از یک سو، به  
لحاظ مراحل  
رشد و تربیت، و  
زمان و چگونگی  
برخورداری فرد  
از تعلیم و تربیت  
در هر دوره و  
از سوی دیگر،  
به دلیل ارتباط  
فارغ التحصیلان  
دوره های آموزشی  
با جامعه، بازار  
کار، اشتغال و  
ورود به دوره های  
تحصیلی بالاتر، از  
مسائل اساسی و  
بنیادین نظام های  
آموزشی بوده  
است**

در تعیین ساختار آموزشی آنچه اهمیت بیشتری پیدا می کند توجه به وجود انعطاف در بعد افقی این ساختار است. به این معنا که تصمیمات در خصوص اهداف، محتوا، تنوع بخشی به فرصت های یادگیری و سیستم ارزشیابی باید سطح و میزانی از انعطاف پذیری را دارا باشد که افرادی با ویژگی های متفاوت بتوانند از تربیت متناسب با نیازهای خود بهره مند شوند. تعیین مراحل گذر و چگونگی و میزان انعطاف در هر مرحله، بدون توجه به ویژگی ها و ابعاد رشد، امکان پذیر نیست.

### رشد در طول سال های دبستان

کودکان در سال اول ابتدایی در دوره انتقالی از رشد سریع اوایل کودکی به مرحله رشد تدریجی تر قرار دارند. مرحله اول کودکی یعنی از شش تا هشت سالگی مهم ترین دوره ای است که چگونگی رشد فرد تا پایان عمر و تحقق تمام قابلیت های وی پی ریزی می شود. تحقیقات نشان می دهند، «دوره بحرانی» مربوط به رشد قابلیت مغز در این مرحله صورت می گیرد. برنامه ریزی و آموزش در این دوره<sup>۲</sup> مستلزم آن است که خردسالان تحت مراقبتی قرار گیرند و فرصت ها و تجربه هایی برایشان فراهم شود که به رشد همه جانبه آن ها (یعنی جسمی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفی) و آمادگی برای ورود به مدرسه بینجامد. سنجش تشخیصی ناتوانی ها در اوان کودکی و تدارک تجربیات غنی و مناسب، به پیش گیری از شدت گرفتن این نوع مشکلات کمک زیادی می کند.

### رشد جسمانی

هنگامی که کودکان دوره ابتدایی را می گذرانند، رشد جسمانی شان در مقایسه با اوایل کودکی کند می شود. کودکان در دوره ابتدایی، از نظر جثه تغییر نسبتاً کمی می کنند. اما عضلات رو به رشد کودکان به ورزش بیشتری نیاز دارند و این نیاز می تواند در ناتوانی کودک دوره ابتدایی برای بی حرکت ماندن به مدت طولانی تأثیر داشته باشد. زمانی که کودکان وارد دوره ابتدایی می شوند، بسیاری از مهارت های حرکتی اساسی ایشان که برای تعادل، دویدن، جست و خیز کردن و پرتاب کردن لازم است، پرورش یافته است. در اواخر کلاس چهارم، خیلی از دخترها جهش رشدی را آغاز می کنند که تا دوران بلوغ کامل نخواهد شد. با آغاز کلاس ششم، اغلب دخترها به اوج جهش رشد نزدیک می شوند، در حالی که همه پسرها، به جز آن ها که رشد زود هنگام داشته اند، هنوز به رشد آهسته و یکنواخت اواخر کودکی ادامه می دهند (اسلاوین، ۲۰۰۶).

### رشد شناختی

بین پنج تا هفت سالگی، فرایندهای فکر کودکان تغییرات مهمی می کنند. این دوره گذر از مرحله تفکر پیش عملیاتی به مرحله عملیات عینی است. این تغییر به کودکان امکان می دهد آنچه را که قبلاً به صورت مجسم انجام می دادند به صورت ذهنی انجام دهند.

در این دوره، کودکان علاوه بر اینکه وارد مرحله عملیات عینی می شوند، مهارت های حافظه و شناختی، از جمله مهارت های فرانشناختی، یعنی توانایی فکر کردن به روش تفکر خودشان و یاد گرفتن نحوه یادگیری را به سرعت پرورش می دهند. باید توجه داشت که سرعت رشد این توانایی ها در کودکان متفاوت است و این انتقال در همه کودکان در سن یکسان صورت نمی گیرد و هیچ کودکی به سرعت از یک مرحله به مرحله بعد نمی رود. کودکان غالباً از رفتارهای شناختی که مشخصه دو مرحله رشد هستند به طور هم زمان استفاده می کنند. از این رو تصمیم گیری و قضاوت در خصوص توانمندی های کودک باید با توجه به حوزه تقریبی رشد او صورت گیرد. از نظر ویگوتسکی، حوزه تقریبی رشد توصیفگر کنش هایی است که هنوز تکامل نیافته اند ولی در حال تکامل یافتن هستند؛ کنش هایی که فرد را به تکامل می رسانند ولی در حال حاضر حالت جنینی دارند. بهتر است این کنش ها را «غنج» و یا «گل» رشد دانست و نه میوه یا حاصل آن. سطح کنونی رشد بیانگر رشد ذهنی به صورت «پس نگری»<sup>۴</sup> است، در حالی که در حوزه تقریبی رشد، شاخص رشد ذهنی به صورت «پیش نگر»<sup>۵</sup> است.

حوزه تقریبی رشد در زمینه آزمون استعداد های کودک و نیز آموزش و برنامه درسی کاربردهای متمایزی دارد. در این باره ویگوتسکی می گوید: «یادگیری خوب» تنها آن یادگیری است که جلوتر از رشد باشد. یکی از علل سهولت بخشی به یادگیری در حوزه تقریبی رشد «تعامل بین ذهنیتی»<sup>۶</sup> است. در این معنا که اشتراک در تمرکز دقت و در هدف، موجب اشتراک کودک و بزرگ سال در معنا نیز می شود، و مشارکت در ادراک معنای مورد نظر را پدید می آورد.

### رشد اجتماعی - هیجانی

زمانی که کودکان وارد مدرسه ابتدایی می شوند، مهارت های لازم برای تفکر، عمل و تأثیر گذاری اجتماعی پیچیده تر در آن ها پرورش یافته است. تا این دوره، کودکان اصولاً خودمحور بوده اند و دنیای آن ها به خانه، خانواده و احتمالاً پیش دبستانی یا مهد کودک محدود بوده است. کودکان در این مرحله می کوشند ثابت کنند که بزرگ شده اند. زمینه های مهم رشد شخصی و اجتماعی برای دانش آموزان دوره ابتدایی خودپنداره و عزت نفس است. این دو جنبه از رشد کودکان قویاً تحت تأثیر تجربیات در خانه، مدرسه و در ارتباط با همسالان قرار دارند. خودپنداره نحوه ای را شامل می شود که ما نقاط قوت، نقاط ضعف، قابلیت ها، نگرش ها و ارزش های خودمان را در نظر می گیریم. رشد آن بعد از تولد آغاز می شود و تجربه به طور مداوم آن را شکل می دهد. عزت نفس هم به نحوه ای اشاره دارد که ما مهارت ها و توانایی هایمان را ارزیابی می کنیم. به نظر می رسد گرایش به استفاده از اطلاعات مقایسه اجتماعی برای ارزیابی خود، با تغییرات مرتبط با رشد در عزت نفس

کودکان دو یا سه زبانه، به دلیل نداشتن فرصت کافی برای انطباق با زبان معیار، در دوره متوسطه دچار افت تحصیلی می شوند. بهترین راه حل این مشکل، اجباری کردن دوره پیش از دبستان در ساختار نظام آموزشی و ضمیمه کردن آن به دوره ابتدایی است

تحصیلی مطابقت دارد. کودکان پیش دبستانی و کم سن و سال تر، خودشان را طوری به صورت مثبت ارزیابی می کنند که به عملکرد تحصیلی با عوامل عینی دیگر هیچ ربطی ندارد. اما در سال دوم یا سوم دبستان، کودکانی که در مدرسه مشکل دارند، از خودپنداره ضعیف تری برخوردارند (چاچمن، تانمر و پروچنو، ۲۰۰۰). این وضعیت ماریچ افت را آغاز می کند. دانش آموزانی که در دوره ابتدایی عملکرد ضعیفی دارند، در معرض خطر پرورش دادن خودپنداره تحصیلی ضعیف و عملکرد ضعیف بعدی در سال های بالاتر دبستان و دوره متوسطه قرار دارند.

### ساختار نظام آموزشی دوره ابتدایی در سایر کشورها

ساختارهای نظام های آموزشی از نظر بعد عمودی بسیار به هم نزدیک اند. آنچه نظام های آموزشی را از یکدیگر متمایز می کند بعد افقی آن هاست. انعطاف پذیری در برنامه ها اصلی است که در اکثر کشورها قابل شناسایی است. رعایت این اصل در سطوح پایین تحصیلی (دبستان) با واگذاری اختیارات هر چه بیشتر به معلمان و مدرسه ها صورت می گیرد و در سطوح بالاتر با ارائه دروس اختیاری بیشتر امکان انتخاب برای دانش آموزان فراهم می شود. همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، در اکثر کشورها در بعد عمودی نظام های آموزشی، آغاز تحصیلات رسمی و طول دوره ابتدایی با یکدیگر مشابه هستند.

جدول ۱

مقایسه نظام های آموزشی از نظر سن ورود به دوره ابتدایی<sup>۶</sup>

سن ورود به دوره ابتدایی		
سال	فراوانی	درصد
۴	۱	۰/۵
۵	۳۰	۱۴/۶
۶	۱۲۶	۶۱/۲
۷	۴۸	۲۳/۳
۸	۱	۰/۵
جمع	۲۰۶	۱۰۰/۰

جدول ۲

مقایسه نظام های آموزشی از نظر مدت آموزش ابتدایی

مدت آموزش ابتدایی		
سال	فراوانی	درصد
۳	۳	۱/۵
۴	۲۹	۱۴/۱
۵	۲۴	۱۱/۷
۶	۱۲۳	۵۹/۷
۷	۲۶	۱۲/۶
۸	۱	۰/۵
جمع	۲۰۶	۱۰۰/۰

از ۲۰۶ کشور دنیا تنها در یک کشور بچه ها از سن چهار سالگی وارد دوره ابتدایی می شوند و در مقابل در یک کشور دیگر از هشت سالگی. بیشترین فراوانی مربوط به ۱۲۶ کشور (۶۱/۲ درصد کشورها) است که بچه ها از شش سالگی وارد دوره ابتدایی می شوند.

در یکی از ۲۰۶ کشور دنیا مدت دوره آموزش ابتدایی هشت سال است و در بقیه کشورها مدت این دوره از سه تا هفت سال متغیر است. در بیشتر کشورها (حدود ۶۰ درصد) مدت دوره آموزش ابتدایی شش سال است. (جدول شماره ۲)

### اصول حاکم بر ساختار نظام آموزشی<sup>۸</sup>

براساس یافته های مطالعات نظری در سند تحول بنیادین، اصول عام<sup>۶</sup> حاکم بر تمامی دوره های تربیت و نیز ویژگی های هر یک از دوره های تربیت در ساختار نظام تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

○ در تعیین زمان شروع و پایان، سطوح و مراحل کلیدی / گذر در هر یک از دوره های تربیت باید به ویژگی های رشدی دانش آموزان و انعطاف پذیر بودن آن ها توجه شود (دانش آموزان از لحاظ ابعاد رشد تفاوت دارند و این مسئله تمام سنین و دوره های تربیت را شامل می شود).

○ سن ورود به مدرسه پنج سال<sup>۱۰</sup> تمام است و دانش آموزان می توانند بنا به تشخیص خانواده ها در ماه تولد یا هر زمانی که کودک آمادگی ورود به مدرسه را داشته باشد، در نظام تربیت رسمی و عمومی پذیرفته شود. این زمان باید قبل اتمام پنج سالگی باشد. بررسی سطح توانایی، استعداد و نیز شرایط اجتماعی دانش آموزان در بدو ورود به مدرسه برای اتخاذ راهکارهای مناسب و کمک به آن ها در دستیابی به سطح قابل قبولی از شایستگی ضروری است.

○ برنامه درسی تابع نیازها و ویژگی های رشدی در هر یک از سطوح و مراحل کلیدی / گذر است و در طراحی و تدوین آن باید به طیف تفاوت های رشدی توجه شود و برنامه از انعطاف لازم برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان برخوردار باشد. هر یک از مراحل کلیدی / گذر طیفی از دانش آموزان در سال های تحصیلی مرتبط را پوشش می دهد، لذا در انتخاب و سازمان دهی محتوای برنامه درسی سطوح دستیابی باید از انعطاف لازم برخوردار باشد و بتواند در شناسایی، برنامه ریزی و طراحی فرصت های تربیتی متناسب با ظرفیت وجودی هر یک از دانش آموزان به مریبان کمک کند.

○ ارزشیابی از وضعیت تربیتی متربی در مراحل کلیدی / گذر براساس سطح شایستگی های تعیین شده برای هر مرحله، به منظور حفظ کیفیت و تعیین نوع برنامه ها و حمایت هایی که باید در دستیابی به سطح بالاتری از قابلیت ها و توانایی های آنان صورت بگیرد، ضروری است. تصمیم گیری و تعیین تکلیف برای گذر از مراحل کلیدی / گذر براساس سن، بلوغ جسمی، رشد اجتماعی، استانداردهای برنامه درسی و نظر معلم صورت

**دانش آموزان می توانند دوره آموزش رسمی عمومی را بین ۱۲ تا ۱۴ سالگی طی کنند. این زمان هم برای دانش آموزان مستعد و هم افرادی که نیازهای ویژه دارند متناسب با سطح توانایی آنان سازمان دهی خواهد شد**

می گیرد. در موارد خاصی که تصمیم گیری دانش آموزان با نیازهای ویژه یا افراد مستعد را دربر می گیرد، مشارکت اولیا برای تصمیم گیری ضروری است.

○ دانش آموزان می توانند دوره آموزش رسمی و عمومی را بین ۱۲ تا ۱۴ سالگی طی کنند. این زمان هم برای دانش آموزان مستعد و هم افرادی که نیازهای ویژه دارند متناسب با سطح توانایی آنان سازمان دهی خواهد شد. مدارس موظف هستند امکانات، شرایط و خدمات ویژه<sup>۱۱</sup> مورد نیاز این گروه از دانش آموزان را تدارک ببینند.

○ ارزشیابی در مورد میزان کارایی نظام تربیتی در سطح ملی در مراحل کلیدی/گذر صورت می گیرد و اطلاعات لازم را برای قضاوت در اختیار تصمیم گیرندگان در سطوح نظام تربیت رسمی و عمومی قرار می دهد.

○ مشاوره و هدایت تحصیلی شامل تمامی دوره های تحصیلی است و به کلیه فعالیت های مرتبط با سه بخش تجویزی (الزامی)، نیمه تجویزی (انتخابی)، و غیر تجویزی (اختیاری) برنامه های درسی معطوف است و باید بتواند خدمات مشاوره ای- حمایتی لازم را با توجه به علاقه ها، استعدادها و توانایی هر یک از دانش آموزان در اختیار آنان قرار دهد.

○ زمینه سازی در فرایند تربیت باید به گونه ای صورت گیرد که در پایان دوره متوسطه امکان ارتباط دانش آموزان با اشتغال و نیازهای بازار کار و سایر فعالیت های علمی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه را متناسب با توانایی ها و علاقه های آنان فراهم کند.

○ ارائه خدمات حمایتی و مشاوره ای به خانواده ها در تمامی دوره ها ضروری است، اما ارائه این خدمات قبل از ورود دانش آموزان به دوره تربیت رسمی و عمومی - به دلیل اهمیت زایدالوصف آن در جریان تربیت و مداخلاتی که در این دوره طلایی می توان برای کمک به دانش آموزان انجام داد- به ویژه برای کودکان خانواده های محروم، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

○ باید بین برنامه ها و فعالیت های خانواده، نظام تربیت رسمی عمومی و تخصصی و سایر نهادهای اجتماعی که قبل و پس از تربیت رسمی عمومی صورت می گیرد، هماهنگی و همسویی لازم وجود داشته باشد.

### دوره ابتدایی

طول دوره دبستان شش سال و سن ورود به این دوره پنج سال تمام است. دوره دبستان خود به دو مرحله اول و دوم<sup>۱۲</sup> تقسیم می شود. در مرحله اول دوره ابتدایی، جریان تربیت با شیب ملایمی از تربیت غیررسمی به سوی تربیت رسمی متمایل خواهد شد.

### اصول حاکم بر مرحله اول

اولین مرحله تربیت با اوان کودکی مصادف است و آغاز شش سالگی تا پایان هشت سالگی و پایه های اول، دوم و سوم<sup>۱۳</sup> را

دربر می گیرد. برنامه ها و فرصت های تربیتی این مرحله بسیار منعطف است و باید بتواند علاقه ها، استعدادها، توانایی ها، محدودیت ها و موانع پیش روی دانش آموزان را برای کمک به آنان در دستیابی به اهداف شناسایی کند. افزودن دوره پیش از دبستان به آموزش های رسمی و عمومی و وجود انعطاف و آزادی عمل در برنامه ها و فرصت های تربیتی این مرحله، شرایط اولیه را برای تحقق عدالت تربیتی<sup>۱۴</sup> در فرایند تربیت فراهم می کند. ویژگی های این مرحله عبارتند از:

- توجه به محوریت نقش خانواده در تدوین و اجرای برنامه های تربیتی
- وجود ارتباط و هماهنگی کامل میان عوامل و نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی<sup>۱۵</sup>
- انعطاف پذیر بودن برنامه ها و تدارک فرصت هایی برای کسب آداب (عادت های رفتاری) مطلوب زندگی و کنترل امیال آنی از طریق تنظیم بیرونی
- رشد جنبه های طبیعی، بینش ها و گرایش های فطری با توجه به جنبه های شهودی و روحیه کاوشگرانه متربی در برنامه های تربیتی
- توجه به تعامل پیچیده عوامل درونی و بیرونی در تربیت و تدارک محیطی غنی و متنوع برای بروز تفاوت های فردی در ابعاد گوناگون وجودی
- توجه به آزادی عمل متربی در برنامه ها و فعالیت های یادگیری و ارتباط آن با تجربیات روزمره زندگی
- توجه به پرورش حواس، به کارگیری تخیل و آغاز شکل گیری منش کودک

### اصول حاکم بر مرحله دوم<sup>۱۶</sup>

دومین مرحله تربیت با پایان کودکی مقارن است و آغاز ۹ سالگی تا پایان ۱۱ سالگی و پایه های چهارم، پنجم و ششم را دربر می گیرد. اصول حاکم بر این مرحله عبارتند از:

- ✓ هماهنگی و همسویی رابطه میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای سهیم برای تدارک دیدن تجربیات غنی و متنوع فردی و گروهی در داخل و خارج از محیط مدرسه
- ✓ تدارک برنامه ها و فرصت هایی تربیتی که امکان کسب تجربیات عملی گوناگون را به منظور پرورش مهارت ها، باورها و گرایش هایی که زمینه ساز عمل فرد در آینده است، فراهم آورد.
- ✓ پرورش روحیه کار جمعی و مسئولیت پذیری، قدرت تشخیص و بازشناسی خوب، بد، زشت و زیبا در متربی
- ✓ توجه به تفاوت دانش آموزان و محدودیت آن ها در کسب دانش پایه و ایجاد شرایط برای یادگیری مفاهیم اساسی و درک روابط علت و معلولی برای دستیابی به تفکر منطقی و علمی
- ✓ تدارک فرصت هایی تربیتی که امکان به کارگیری و پرورش ظرفیت شناختی را از طریق فعالیت و تلاش متربی فراهم کند.

✓ زمینه‌سازی برای شناخت علاقه شخصی و پرورش تخیل به منظور دستیابی به ظرفیت‌های وجودی (با تکیه بر قوه ابتکار و تلاش شخصی) مرتبی

در ساختار پیشنه‌های، هر یک از مراحل تربیت نوعی وضعیت رشدی بیش و کم متفاوت و متمایز را معرفی می‌کند که تفکیک این دوره‌ها از یکدیگر را معنی‌دار می‌سازد. توجه به ویژگی‌های ذکر شده در تدوین برنامه‌های درسی، روش‌های مدیریت، ارزشیابی از سطح دستیابی به شایستگی‌ها و صفات دانش‌آموزان، سازمان‌دهی فضای آموزشی و نوع خدمات ارائه شده به دانش‌آموزان و نیز ارتباط و مشارکت خانواده و نهادهای مدنی، متناسب با ویژگی‌های هر مرحله متفاوت خواهد بود. رعایت نکردن این اصل باعث می‌شود دانش‌آموزان دوره‌های متفاوت رشد در یک دوره تحصیلی قرار گیرند و این موضوع ابهام و سردرگمی برای برنامه‌ریزان و افت کارایی برای یادگیرندگان به وجود آورد.

تغییر ساختار نظام آموزشی و افزایش طول زمان آموزش در دوره ابتدایی، به دلیل تأثیر تعیین‌کننده‌ای که این دوره در طول زندگی فرد دارد، ضروری است. از آنجا که دوره پیش از دبستان در ایران اجباری نیست، ساختار ۳+۳+۶ فرصت بیشتری را برای جبران برخی از تأخیرهای رشدی که ممکن است از شرایط اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان ناشی شود، در اختیار مریبان قرار می‌دهد.

ساختار ۳+۳+۶ برای انطباق زبانی و رفع مشکلات یادگیری کودکان در مناطق دو زبانه فرصت بیشتری فراهم می‌کند و فاصله میان کودکان متعلق به مناطق غیرفارسی زبان و کودکان فارسی زبان را کاهش می‌دهد.

کودکان دو یا سه زبانه، به دلیل نداشتن فرصت کافی برای انطباق با زبان معیار، در دوره متوسطه دچار افت تحصیلی می‌شوند. بهترین راه حل این مشکل، اجباری کردن دوره پیش از دبستان در ساختار نظام آموزشی و ضمیمه کردن آن به دوره ابتدایی است. اما در حال حاضر که این امکان، به دلیل محدودیت منابع، وجود ندارد توصیه می‌شود با افزایش طول دوره آموزش ابتدایی و اجرایی کردن راهکار «۲۲/۸ سند»<sup>۱۷</sup> مبنی بر استقرار نظام «دوری» در سازمان‌دهی معلمان در سه پایه اول ابتدایی، تا حدی این مشکل جبران شود. قابل ذکر است که دوره پیش از دبستان در اکثر کشورها اجباری است و طول مدت آن در ۴۷ درصد از کشورها سه سال است.

#### پی‌نوشت

۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۹۰.

2. Wiring Diagram
3. Early Childhood Care and Education
4. Retrospective
5. Prospective
6. Inter subjectivity
7. world education

۸. برگرفته از متن مطالعات سند تحول راهبردی، آذر ۱۳۹۰.

۹. در ارائه این اصول، از اصول عام حاکم بر نظام تربیت رسمی و عمومی استفاده شده است.

۱۰. در شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی خاص که کودک با محرومیت‌هایی روبه‌روست یا در مواردی که خانواده توان سرپرستی کودک را ندارند، ورود کودک به نظام تربیت رسمی و عمومی از چهار سالگی است. آموزش‌های این دوره جنبه غیررسمی داشته و با هدف کمک به متریبان برای دستیابی به سطح قابل قبولی از شایستگی‌ها صورت می‌گیرد.

۱۱. اعم از تجهیزات، منابع آموزشی، مربی و...

۱۲. مرحله‌های اول و دوم در محدوده دوره تمهید و معادل دوره‌های کودکی اول و دوم محسوب می‌شود. باقری در بیان این دوره می‌گوید: «مرحله تمهید شامل دو زیر مرحله بازی (زیر مرحله اول: بازی، تا هفت سالگی) و تأدیب (از هفت سالگی تا بلوغ شرعی) است. ۱۳۸۵.

مرحله اول شامل دوره پیش دبستان/آمادگی و سال‌های اول و دوم دبستان (در نظام فعلی) است.

۱۳. مرحله اول شامل دوره اساس (در طرح کلیات تغییر بنیادی نظام) است و شامل دوره پیش دبستان/آمادگی و سال‌های اول و دوم دبستان (در نظام فعلی) است.

۱۴. اصل عدالت تربیتی (مندرج در فلسفه تربیت رسمی و عمومی) به اموری ناظر است از جمله رعایت متوازن و متعادل حقوق تربیتی متریبان - صرف نظر از ویژگی‌های فرهنگی، قومی، دینی و اقتصادی - فراهم کردن فرصت‌های برابر دسترسی به تربیت عمومی و رسمی (برابری در توزیع منابع و امکانات) برای تمامی احاد جامعه، ارائه تربیت عمومی و رسمی با کیفیت قابل قبول، انطباق تربیت عمومی و رسمی با نیازها و تفاوت‌ها در سطح فردی و خانوادگی و اجتماعی.

۱۵. تمامی مراکزی که به نوعی وظیفه ارائه خدمات تربیتی به متریبان را در سطح جامعه، قبل از ورود به تربیت رسمی و عمومی، بر عهده دارند، باید همچنان در جریان تربیت کودکان مشارکت جدی (البته با هماهنگی و وحدت هدف) داشته باشند.

۱۶. سال‌های سوم، چهارم و پنجم نظام فعلی دوره ابتدایی را شامل می‌شود.

۱۷. استقرار نظام «دوری» (نظام دوری عبارت است از همراهی معلم با دانش‌آموزان در چند پایه تحصیلی) در سازماندهی معلمان در سه پایه اول ابتدایی.

#### منابع

۱. اسلاوین، رابرت‌تای. ترجمه یحیی سیدمحمدی. روان‌شناسی تربیتی، نظریه و کاربرت. انتشارات روان. ۱۳۸۵.
۲. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۶.
۳. زدل‌سی، مارگارت و دوپیرا، جان‌ای. ترجمه ن. پارسا. روش تربیت معلم کودکان پیش دبستان. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۷۳.
۴. دُوبس، موریس. ترجمه علی‌محمد کاردان. مراحل تربیت. انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۸۲.
۵. سیف، سوسن و کدیور، پروین و نوری کرمی، رضا و لطف‌آبادی، حسین. روان‌شناسی رشد. شرکت چاپ و نشر لیلی. ۱۳۸۵.
۶. صادق‌زاده، علی‌رضا و همکاران. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. شورای عالی آموزش و پرورش. ۱۳۹۰.
۷. صافی، احمد. بررسی سیر تاریخی و تکوینی ساختار آموزشی آموزش و پرورش ایران و مراجع تصویب آن. پژوهشکده تعلیم و تربیت. ۱۳۷۹.
۸. گل‌من، دانیل. هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا. انتشارات رشد. ۱۳۸۶.

تغییر ساختار نظام آموزشی و افزایش طول زمان آموزش در دوره ابتدایی، به دلیل تأثیر تعیین‌کننده‌ای که این دوره در طول زندگی فرد دارد، ضروری است. از آنجا که دوره پیش از دبستان در ایران اجباری نیست، ساختار ۳+۳+۶ فرصت بیشتری را برای جبران برخی از تأخیرهای رشدی که ممکن است از شرایط اجتماعی و خانوادگی دانش‌آموزان ناشی شود، در اختیار مریبان قرار می‌دهد.

